بازنمایی دریا در زندگی روزمرهٔ زنان قشم

یاسر رستگار *
امینه دریانورد **
پرنیان سرافراز ***

تاریخ دریافت:۱۴۰۰/۲/۱۴
تاریخ پذیرش:۱۴۰۰/۰۶/۰۵

چکیده

دریا در کنار وجوه طبیعی و اقلیمی، فرهنگ، ارزش‌ها و جهان‌بینی خاصی می‌آفریند و در زندگی روزمره و عادی دریانشینان نمود خاصی دارد؛ از این رو، پژوهش حاضر به مطالعهٔ بازنمایی دریا در زندگی روزمرهٔ زنان جزیرهٔ قشم می‌پردازد. در این پژوهش برای دستیابی به اطلاعات دقیق، همچنین به علت بکر بودن موضوع و اهمیت آن، از روش مردم‌نگاری و از ابزارهای مشاهده، مصاحبه و گفتگو با ۴۲ نفر از زنان قشمی تا رسیدن به اشباع نظری استفاده شد. داده‌ها نیز با استفاده از روش تحلیل تماتیک، بررسی و تحلیل شد. یافته‌های میدانی حاکی از آن است که دریا در زندگی روزمرهٔ زنان قشمی، پنج کارکرد ویژهٔ بنیادی داشته‌است که شامل کارکرد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و درمانی است و این کارکردها در ارتباط با یکدیگر، سیستم معنایی مشترک زنان از دریا را برساخته‌اند.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، دریا، قشم، زندگی روزمره، زنان.

* دانشیار جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه هرمزگان. Yaser.rastegar62@gmail.com
** کارشناس‌ارشد جامعه‌شناسی و سرپرست کتابخانه‌های عمومی استان هرمزگان. Ad_tarannom@yahoo.com
***کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه هرمزگان. Parniansarafraz@gmail.com

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

۱ـ مقدمه

فرهنگ طرحی است که جامعه برای زیستن دارد؛ یعنی مجموعه صفات رفتاری و اکتسابی اعضای یک جامعه است که از خود نشان می‌دهند. مردم بر اساس فرهنگی که در آن رشد کرده و تربیت شده‌اند، می‌اندیشند و عمل می‌کنند. ارزش‌ها و باورهایی که فرد از خانواده، محیط جغرافیایی و گروه اجتماعی دریافت می‌کند، در او حس اطمینان به‌وجود می‌آورد و او را قادر می‌سازد تا در آن جامعه زندگی و فعالیت کند؛ به بیان دیگر، پایهٔ رفتارهای انسانی به شمار می‌رود (رشیدپور و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۲). جغرافیا و فرهنگ رابطه‌ای استوار و عمیق دارند؛ انسان خود را متعلق به سرزمینی می‌داند که در آن رشد یافته و به آن تعلق یافته‌است. انسان‌ها گروه و جامعهٔ خود را با ویژگی‌ها و عناصر فرهنگی می‌شناسند و خود را عضو آن می‌دانند؛ از این رو، در شرایط جغرافیایی و فرهنگی خاص و تحت‌تأثیر عوامل جغرافیای سرزمینی هویت می‌یابند و از طریق آنها متمایز می‌شوند (روح الأمینی، ۱۳۷۴: ۲۸).

فرهنگ عوام با محیط زندگی و شرایط اقلیمی افراد رابطهٔ تنگاتنگی دارد. رفتار و نگرش انسان، متأثر از اقلیمی است که در آن زندگی می‌کند؛ بنابراین، فرد خود را با شرایط پیرامونش دم‌ساز می‌کند و به مرور دربارهٔ اقلیم، صاحب رفتار خاص می‌شود. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که ناگزیر از تأثیر طبیعت و ارتباط و تعاملات فرهنگی در زندگی روزمره هستیم و جغرافیا همواره به نوعی در شیوهٔ زندگی و نگرش ما سهیم و سرنوشت‌ساز بوده‌است. از گذشته‌های دور تا کنون، مردم پیوندی ناگسستنی با دریا و دستاوردهایش داشته‌اند، خیلی از دریانوردان هم‌نفس دریا بوده و صیادان نیز رزق و روزیشان را از آن طلب کرده‌اند (زارعی، ۱۳۹۸: ۱۰). با توجه به شرایط اقلیمی این مرز و بوم، آب و دریا در زندگی افراد نقش کلیدی داشته‌است. جزیرهٔ قشم با توجه به گستردگی، تعداد بالای روستاهای بندری و روستاهای واقع در دشت‌های میان‌کوهی، یک الگوی فرهنگی واحد با نماهایی متفاوت دارد. در بین همهٔ اقشار و گروه‌هایی که در حاشیهٔ ساحل زندگی می‌کنند و تحت‌تأثیر دریا هستند، زنان جایگاه ویژه‌ای دارند؛ این در حالی است که رابطهٔ بین زنان و دریا کمتر قابل توجه قرار گرفته و واکاوی شده‌است. جریان زندگی روزمره جریانی است که همهٔ کنشگران جهان اجتماعی در آن، مشغول زندگی و فعالیت هستند و فراگیری آن به حدی است که مانند هوا آنها را در برگرفته است. همین نزدیکی بیش از حد و احساس یکی بودن کنشگر با زندگی روزمره، به احساس پیش پاافتادگی و عادی بودن امور منجر می‌شود که به موجب آن، فکر می‌کنیم همهٔ احساسات و تجارب جاری در متن این زندگی را با جزئیات‌شان می‌شناسیم (اباذری و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۷). اما برخی از محققانی که در زمینهٔ سنت مطالعات فرهنگی و زندگی روزمره کار می‌کنند، اساساً مطالعهٔ خود ر از همین جا آغاز می‌کنند و با دست گذاشتن بر جزئیاتی از این زندگی، نشان می‌دهند که

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

دانش افراد از زندگی روزمره کاملاً به موقعیت و جایگاه خودشان وابسته است و اطلاعات محدود و ناقص و در مواردی همراه با خطا از تجارب سایر اقشار و گروه‌های اجتماعی است. یکی از این گروه‌های اجتماعی که کمتر در متون علمی بدان‌ها پرداخته شده و از زبان حال احساسات و تجربیاتشان کمتر سخن به میان آمده، زنان است. زنان به دلیل موقعیت فرودستی که نسبت به مردان در اکثر قریب به اتفاق جوامع بشری دارند و به دلیل غلبهٔ مردان بر گفتمان‌های علمی، تابوهای اجتماعی و هنجارهای فرهنگی ـ که جنس مؤنث و مسائل پیرامونش را احاطه کرده‌است ـ کمتر توانسته‌اند از موقعیت ویژهٔ خود سخن بگویند (قادرزاده و حسینی، ۱۳۹۴: ۳۳۷). همچنین تأثیرات فرهنگی و اجتماعی دریا بر سبک زندگی زنان جزیرهٔ قشم امری انکارناپذیر است و این تأثیرات در فرهنگ عامه، معیشت، صنایع دستی، مراسم، آیین‌ها، غذا و دانش بومی زنان کاملاً قابل مشاهده است.

در میان حداقل پژوهش‌های انجام شده دربارهٔ دریا و فرهنگ ـ با توجه به تأثیر اقلیم بر فرهنگ و کسب و کار مردم خطهٔ جنوب ـ بیشتر پژوهش‌ها دربارهٔ سفرهای دریایی مردان، صیادان و آیین‌های مردانه بوده‌است؛ چرا که از دیرباز، معیشت مردمان جنوب به دریا وابسته بوده و آیین‌هایی نظیر انداختن لنج به آب، دریا مابر، مراسم چهاردهی، آیین‌های دریایی رزیف و ... بسیار برگزار می‌شد. بنابراین، بیشتر مطالعات پژوهشگران محدود به مردان بود و در این میان، رابطهٔ زنان و دریا بررسی نشده‌است؛ در حالی که نقش، اهمیت و حضور زنان در زندگی ساحل‌نشینان به مانند سایر اقلیم‌ها بسیار پررنگ بوده و بدان توجهی نشده‌است. پژوهش حاضر در پی آن است که از نگاه مردم عادی، جزیره‌نشینان و به طور خاص از نگاه زنان بومی جزیرهٔ قشم به این رابطه بپردازد. پژوهشگر در این پژوهش قصد دارد نمود دریا و تأثیر آن را بر سبک زندگی روزمرهٔ زنان جزیره بررسی کند و به کشف ابعاد تازه‌ای از دریا و هویت زنان قشمی از دیدگاه خودشان بپردازد.

۲ـ پیشینهٔ پژوهش

در ابتدا، به تعدادی از پژوهش‌های انجام شده در حیطهٔ موضوع مورد مطالعه در داخل ایران پرداخته می‌شود، سپس در ادامه به پژوهش‌های خارجی اشاره خواهد شد. ذکر این امر لازم است که کتب متعدد و معتبری نظیر «تاریخ مهاجرت افراد در خلیج فارس» در سال (۱۳۸۱)، «تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه (۱۳۸۷)»، «بندرعباس و خلیج فارس (۱۳۶۳)»، «وقایع‌نگاری خلیج فارس (۱۳۹۰)» و ... دربارهٔ خلیج فارس وجود دارد، ولی در ادامه به شرح برخی از کتاب‌ها و مقالاتی می‌پردازیم که به‌طور خاص به جزیرهٔ قشم توجه کرده‌اند.

«جزیرهٔ قشم: صدف ناشکافتهٔ خلیج فارس» اثر علی بلوک‌باشی (۱۳۷۹)، از جمله کتاب‌هایی است که در پنج فصل نوشته شده و به موقعیت و سیمای طبیعی جزیرهٔ قشم، جغرافیای انسانی و معرفی بناهای تاریخی، وضعیت فرهنگی و اجتماعی ساکنان جزیره و

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

در فصل آخر، به بررسی وضعیت آموزشی و بهداشتی ـ درمانی جزیرۀ قشم پرداخته‌است. همچنین جلال‌آل احمد (۱۳۹۱) در کتابی با عنوان «خارک درّ یتیم خلیج فارس»، با تک‌نگاری مفید به شرح افسانه‌ها و آداب و رسوم مردمان این جزیره می‌پردازد. محمود زندمقدم (۱۳۸۳) نیز در کتاب «آفاق جزیرۀ قشم، مردمان، روستاها، بندرها، روستابندرها، بندها، کشت و کار، دریانوردی، صید و صیادی»، تصویر کاملی از معیشت و آداب و رسوم جزیره را به خواننده نشان می‌دهد.

سعیدی و مدرسی (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی موجودات وهمی در فرهنگ مردم هرمزگان»، به بررسی موجودات نیکوکار و شرور پرداختند. نتایج نشان داد که در فرهنگ هرمزگان حضور موجودات بدیمن همچون دیو، ذیج، گوش‌گلیمی و غول بیش از موجودات خوش‌یمن است. همچنن مرادی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی بنمایه‌های اسطوره‌ای در باورهای عامیانۀ غرب هرمزگان» بدین نتیجه دست یافت که در فرهنگ عامه و باورهای مردم غرب هرمزگان، رد پای بسیاری از کهن الگوها و اسطوره‌هایی دیده می‌شود که گاه با اساطیر بین‌النهرین، هند و شرق آسیا، شرق و شمال آفریقا و حتی آمریکای لاتین شباهت دارد و گاه نیز بسیاری از شایست و ناشایست‌های زرتشتی ـ که کیش قدیم این ناحیه است ـ در آن دیده می‌شود.

همچنین پژوهشی در زمینۀ شناخت باورها و آداب و رسوم مرتبط با چاه‌های تلا توسط فرح در سال (۱۳۹۴) انجام شد. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که «آب» با وجوه زندگی ساکنان این منطقه ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد و به پیدایش آداب و رسوم خاصی منجر می‌شود. وجود آثار انصاری‌نسب در سال‌های اخیر ـ که به بررسی آیین‌های دریایی قشم، نشانه‌شناختی آیین قبله (دعای بارش باران) در قشم، بررسی نشانه‌شناختی آیین اوشار (به آب انداختن لنج) در بندرکنگ و آیین‌های دریایی رزیف در بندرکنگ پرداخته‌است ـ حاکی از آن است که آب و دریا رابطۀ تنگاتنگی با زندگی افراد دارد.

خواجه‌ئیان و سلطانی‌نیا (۱۳۹۵) نیز پژوهشی با تأکید بر آیین جادو ـ درمانی زار انجام دادند که در آن، بومیان ساحل‌نشین خلیج فارس بر این باورند که باد زار در جسم برخی از اشخاص حلول می‌کند و آنها را بیمار می‌سازد. علاوه بر آن، زارعی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی باورهای کهن و اساطیری پیکرگردانی انسان ـ درخت و درخت ـ انسان پرداخت. همچنین زارعی (۱۳۹۸) به واسطۀ بررسی فرهنگ عامیانۀ زنان با توجه به سفر دریانوردان بندرکنگ، دریافت که آیین‌هایی همچون پنهان‌شدن ستارۀ سهیل درون چاه، باور به نحس بودن سفر در ایام خاص، مراسم چهاردهی و ... باورهایی است که زنان در پی دریانوردی مردان خلق کرده‌اند.

وجود کتب و مقالات خارجی در زمینۀ خلیج فارس نیز از توجه نویسندگان خارجی به خلیج فارس و اهمیت این منطقه حکایت دارد. کتاب «خلیج فارس» اثر آرنولد

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

ویلسون[1](۱۳۶۶)، «وقایع‌نگاری خلیج فارس، بخش تاریخ ایران» نوشتهٔ لویمر[2](۱۳۹۰) و کتاب «تاریخ خلیج فارس از قدیم‌ترین دوران تا کنون» اثر پاتر[3](۱۳۹۳)، آثاری است که توسط نویسندگان خارجی زبان دربارهٔ تاریخچه، قدمت و اقتصاد خلیج فارس گردآوری شده‌است.

سفرآبادی (2016) و حسینی و همکاران (2018)، به ارزیابی پتانسیل‌های اکوتوریسم برای توسعهٔ پایدار جهانگردی ساحلی در جزیرهٔ قشم پرداختند. ایورس[4] (2014)، در پژوهش خود به دنبال شناخت دریای چین با استفاده از رویکرد فرهنگی بود. او در این مطالعه، دریای مدیترانه را برحسب دو دیدگاه بررسی کرد؛ از دیدگاه سیاسی به تنش‌های سیاسی، حقوق ماهیگیری و دسترسی به منابع طبیعی پرداخت و از دیدگاه انسان‌شناسی فرهنگی و جامعه‌شناسی فرهنگی به طبقه‌بندی و درک اقدامات مردم عادی و رهبران سیاسی در هنگام تعیین حقوق مالکیت بر دریاهای مدیترانه پرداخت. در سال ۲۰۱۳، درهشوری و همکاران در پژوهشی به بررسی شکل شماتیک طرح توسعهٔ پروژه‌های تجهیز محیط‌زیست در جزیرهٔ قشم با توجه به شرایط اقلیم و تنوع زیستی، همچنین ترویج معیشت زنان از طریق صنایع دستی پرداختند. «ژئوتوریسم و ژئوپارک‌ها به عنوان دروازه‌هایی برای پایداری فرهنگی اجتماعی در مناطق روستایی قشم»، پژوهشی است که توسط کوئلیو و همکارانش[5](2012) انجام شد.

مرور مطالعات داخلی و خارجی نشان داد که در پژوهش‌های داخلی، اغلب به آیین‌ها و آداب و رسوم ساکنان قشم پرداخته شده و در مطالعات خارجی نیز بر جنبهٔ اقتصادی و گردشگری جزیره تأکید شده‌است. بنابراین، با توجه به پژوهش‌های داخلی و خارجی می‌توان گفت به بحث سبک زندگی ساکنان قشم پرداخته نشده‌است که این امر از نوآوری و تازگی موضوع پژوهش حاضر حکایت دارد. همچنین از دیگر وجوه تمایز پژوهش حاضر با مطالعات پیشین، می‌توان به روش این پژوهش اشاره کرد؛ در تحقیقات پیشین اغلب از روش کمی یا مصاحبه برای گردآوری داده استفاده شد، ولی در این مطالعه از طریق مردم‌نگاری و مصاحبهٔ نیمه ساختارمند به بازنمایی معنایی دریا از دیدگاه زنان پرداخته می‌شود.

1. Arnold Wilson
2. Loymer
3. Potter
4. Evers
5. Coelho et al

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

۳ـ مبانی نظری

فرهنگ از نظر جغرافی‌دانان فرهنگی این گونه تعریف شده‌است: فرهنگ، الگوهای رفتار آمیخته شدهٔ انسانی را ـ که در قالب مقاومی شکل می‌گیرد ـ بیان می‌کند و به واسطهٔ آن، ایده‌ها و تصورات از یک نسل به نسل دیگر یا از گروهی به گروه دیگر منتقل می‌شود (هاگت، ۱۳۷۳: ۶). در این تعریف، جغرافی‌دانان فرهنگی آن بخش از فرهنگ را مدنظر قرار داده‌اند که به صورت رفتار در طول زمان شکل می‌گیرد و به تغییر و تحولاتی در نواحی مختلف سطح زمین منجر می‌شود. در واقع، گروه‌های انسانی که در مکان‌های متفاوت زندگی می‌کنند، در خلق فرهنگ‌های گوناگون در نواحی مختلف نقش عمده دارند و این موضوع در قالب الگوهای فضایی فرهنگی می‌تواند مطالعه شود. بوم‌شناسی فرهنگی، تعاملات بین فرهنگ و محیط فیزیکی آن را توصیف می‌کند. به طور معمول، فرهنگ در انواع مختلفی از شرایط فیزیکی به وجود می‌آید و تکامل می‌یابد که از نظر آب و هوا، پوشش گیاهی طبیعی، خاک و شکل‌های زمین متفاوت است. در چنین محیط‌های متنوع طبیعی، بشر برای تأمین نیازهای خود به لباس، غذا و سرپناه، استراتژی‌های سازگار ایجاد کرده‌است. وقتی جغرافی‌دانان می‌خواهند توضیح دهند که چرا یک ویژگی خاص فرهنگ در یک منطقهٔ خاص یافت می‌شود، اغلب در می‌یابند که پاسخ در یک ویژگی دیگر است که توسط همان جامعهٔ فرهنگی وجود دارد (رشیدپور و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۱).

وجه مشترک فرهنگ و جغرافیا را این گونه می‌توان بیان کرد که از یک سو فرهنگ با جامعهٔ انسانی گره خورده است و شکل‌گیری و تولید فرهنگ، اساساً به شکل‌گیری جامعه وابسته است و از سوی دیگر، اصولاً هر جامعه‌ای در بستری از جغرافیا و در قلمرو خاص سرزمینی شکل می‌گیرد و دوام می‌یابد. در واقع، فرهنگ حاصل و پیامد جغرافیا است یا به عبارت مشخص‌تر، مکان و فضا به عنوان بستر زندگی انسانی و تاریخ یا به شکل روشن‌تر، زمان است که به شکل‌گیری فرهنگ منجر می‌شود. بنابراین بدون جغرافیا و تاریخ، فرهنگ به وجود نمی‌آید؛ به عبارت دیگر، برای اینکه فرهنگ را درک کنیم به منشأ تاریخی و گذشتهٔ آن ـ که در ظرف تاریخ می‌گنجد ـ نیازمندیم و برای شناخت کامل فرهنگ، به بسترهای مکانی و اینکه در «کجا» و چه «حوزه‌ای» شکل گرفته‌است، به شدت نیازمندیم. بر همین مبنای علمی در بررسی‌های مربوط به جغرافیای فرهنگی، محیط زیست اجتماعی به همراه فضا و سرزمین مربوط به آن مطالعه می‌شود؛ به نحوی که تفاوت‌های فرهنگی نواحی مختلف در قالب عناصر فرهنگی همچون زبان، ایدئولوژی، دین و نظام ارزش‌ها بررسی می‌شود (هاگت، ۱۳۷۳:۷-۹).

دورهٔ مطالعهٔ جغرافیای فرهنگی به تمرکز بر نقش فرهنگ در شکل دادن مکان‌ها، مناطق و مناظر توجه دارد. جغرافیای فرهنگی دربارهٔ مردم و مکان‌هایی است که از طریق تجزیه و تحلیل فرایندهای فرهنگی، مناظر فرهنگی و هویت‌های فرهنگی را اشغال

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

می‌کنند. جغرافیای فرهنگی، مقولهٔ فرهنگ را از دیدگاه جغرافیایی توضیح می‌دهد و بر نحوهٔ کار فرهنگ در محل و نحوهٔ قرار گرفتن آنها در زندگی روزمره تأکید می‌کند (Balasubramanian,4 :2018). فرهنگ در جغرافیا هم به منزلهٔ شیوهٔ زندگی (عقاید، نگرش‌ها، زبان‌ها، عادات، نهادها و ساختارهای قدرت) و هم دربرگیرندهٔ عملکردهای فرهنگی نظیر شکل‌های مختلف هنری، معماری، کالاهای تولید انبوه و ... است. در این تعریف، فرهنگ همه چیز گروهی از مردم محسوب می‌شود؛ بنابراین، از آن با عنوان نظام فرهنگی نام می‌برند (شکوهی، ۱۳۷۵: ۳۳۷).

فرهنگ دریایی، فرهنگ برخاسته از «کار» و «زندگی» است و به همین دلیل، شناخت آن مستلزم شناسایی روابط و مناسبات و آداب فرهنگی جاری در «کار» و «زندگی» است. به طور کلی، رفتار ما انسان‌ها ضمن آنکه تحت‌تأثیر افکار، روان، هدف‌های ما در لحظه‌های زندگی و حتی ویژگی‌های جسمانی ما است، از عوامل متعدد فرهنگی نیز تأثیر می‌پذیرد. دانش و باورهای فرهنگی ما، در رفتارهایمان نمایان می‌شود و از این جهت است که «شناخت رفتار»، مقدمه‌ای برای شناخت فردی و فرهنگی است. در این میان، زندگی روزمره و سبک زندگی مهم‌ترین جلوهٔ آن است. شکل‌گیری فرهنگ کار دریایی در کشور ما ـ که مناسکی چون آداب و فرهنگ تجارت دریایی، حمل و نقل دریایی، بندرداری، ساخت لنج و شناور، تعمیر و نگهداری از لنج و سایر دستاوردهای صنعت دریایی را در اقتصاد و فرهنگ کار در جنوب کشور در بردارد ـ به یقین، پشتوانه‌ای قوی برای ورود به دریانوردی نوین بود (ودادی، ۱۳۹۳: ۱۲). همچنین ویلیامز، مجموعه فعالیت‌هایی را که توسط گروهی از افراد صورت می‌گیرد و بخشی از تجربهٔ زیستهٔ آنهاست، در زمرهٔ فرهنگ می‌داند و بر معمولی بودن فرهنگ تأکید می‌کند. در دیدگاه او، به فرهنگ به عنوان «شیوهٔ کلی زندگی» نگریسته می‌شود و فرهنگ را در رابطه با زندگی روزمرهٔ افراد بررسی می‌کند. به تعبیر ویلیامز، فرهنگ جزئی جدایی‌ناپذیر از «سبک زندگی» افرادی خاص در مکانی مشخص است (روجک، ۱۳۹۰: ۷۱)؛ از این رو، می‌توان فعالیت ارتباط زنان با دریا را از این منظر که بخشی از زندگی روزمرهٔ ایشان با این فعالیت درآمیخته است، به عنوان نوعی فرهنگ تلقی کرد.

مطالعهٔ زندگی روزمره، از دو دریچهٔ متن و فیلد (تحقیق‌های می‌دانی) ممکن شده‌است. از دریچهٔ متن، محققان به بازنمایی زندگی روزمره در آثار هنری و متونی چون رمان، فیلم و موسیقی، نقاشی و ... می‌پردازند. در این مطالعه، دریچهٔ دوم (فیلد) مدنظر است که نفس زندگی روزمره را مورد تأمل قرار می‌دهد. محققانی که به زندگی روزمره در فیلد پرداخته‌اند ابتدا بیشتر با رویکرد اتنومتدولوژیک کار کرده‌اند. این رویکرد، زندگی روزمره را به عنوان امری پیشاتأملی بررسی می‌کند؛ بنابراین، از یک سو چنین جهانی همان جهان داده شده‌است که آدمیان چندان در باب آن تأمل نمی‌کنند. از سوی دیگر،

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

در این دیدگاه نقش قدرت و ردپای میل نادیده گرفته می‌شود. اما دیدگاه‌های جدیدتر در مطالعات فرهنگی با تأثیرپذیری از مطالعات پساساختارگرایان‌های چون میشل فوکو و میشل دوسرتو، افق انتقادی و رادیکال‌تری را در مطالعات زندگی روزمره گشوده‌اند؛ به‌گونه‌ای که در این گونه از مطالعات، زندگی روزمره عرصهٔ مجادلات قدرت و مقاومت، استراتژی و تاکتیک است (لاجوردی، ۱۳۹۳: ۳۵).

هانری لوفور و میشل دوسرتو از جمله نویسندگانی هستند که به نظریات زندگی روزمره پرداخته‌اند. هر دو نویسنده به جنبه‌های تجربی زندگی و معنای آن به عنوان مکانی برای مقاومت توجه کرده‌اند. نقطهٔ آغازین این دو نویسنده، مفهوم «زندگی روزمره» است که به معنای «فرهنگ» رایج است. مطالعات زندگی روزمره، به فرهنگ زندگی روزانهٔ همهٔ ما مربوط می‌شود؛ یعنی هر کاری که در هر زمان انجام می‌دهیم. بنابراین، مطالعات زندگی روزمره با قدرت حاکم که آن را ثبت و کدگذاری می‌کند، ارتباطی ندارد. در عوض، توجه این نویسندگان شیفتهٔ مفهوم‌سازی در زندگی روزمره، معطوف به چیزی است که پیش‌بینی‌ناپذیر باشد. این علاقه، در حد فعالیت‌های روزمرهٔ زندگی معمولی یعنی آنچه مردم در زندگی روزانه‌شان انجام می‌دهند، باقی مانده‌است. در مجموع، مطالعات زندگی روزمره به آنچه معمولی و از قبل تعیین شده‌است و هر روز تکرار می‌شود، توجه دارد (خواجه‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۰۱).

هانری لوفور نشان داد که تولید و بقای مکان‌ها و فضاها، از شبکه‌های اجتماعی ـ که به زندگی روزمره معنا می‌بخشند ـ جدایی‌ناپذیر است. به عقیدهٔ او، شبکه‌های اجتماعی معنادار که زندگی ما را می‌سازند، توسط افرادی شکل می‌گیرند که بخشی از زندگی روزمره هستند. همچنین افراد چنین شبکه‌هایی را توسط ارتباط با دیگران، برقراری چهارچوب‌های مرجع و متداول کردن عملکردهای روزانه تولید می‌کنند. به طور خلاصه، شبکه‌های اجتماعی معنادار و شیوه‌هایی که افراد، این شبکه‌های اجتماعی (معنای شبکه‌ها) را حس می‌کنند، هر دو نتیجهٔ زندگی اجتماعی و معناهایی است که توسط آن ساخته شده‌است (همان: ۱۰۲).

ریشهٔ نظری جامعه‌شناسی «زندگی روزمره» به فلسفهٔ پدیدارشناختی ادموند هوسرل برمی‌گردد، ولی برجسته‌ترین جامعه‌شناسی که به پدیدارهای روزمره پرداخت، آلفرد شوتس یکی از شاگردان ادموند هوسرل بود. شوتس کوشید دربارهٔ هستی‌هایی پژوهش کند که در نوع خاصی از تجربه یافت می‌شود؛ نظیر تجربهٔ انسان‌ها از جهان اجتماعی. او بر این باور است که موضوع بررسی جامعه‌شناسی، همان شیوه است که انسان‌ها از طریق آن «زندگی روزمره»شان را می‌سازند یا می‌آفرینند. شوتس واقعیت‌های اجتماعی را دارای چهار قلمرو می‌داند: واقعیت اجتماعی مستقیم، غیرمستقیم، آیندگان و گذشتگان. او به قلمرو اخلاف و اسلاف ـ که مربوط به گذشتگان و آیندگان است ـ اهمیت

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

نمی‌دهد، بلکه واقعیت تجربی به صورت‌ها و اشکال خاص تنها در قلمروهای «۱» و «۲» خویشتن را برای ما عرضه می‌کند. از این فهم و تحلیل علمی، جهان گذشتگان برای ما دشوار و گمراه‌کننده است و جهان آیندگان به دلیل ماهیت عدمی‌اش ناممکن؛ بدین صورت، شوتس به قلمرو «زندگی روزمره» نزدیک می‌شود. «زندگی روزمره» به این معنا که به تفسیر کنش معاصران می‌پردازد و از سنّت دیرین جامعه‌شناسی ـ که واقعیت‌های اجتماعی را در پرتو تحولات تاریخی، تاریخ تحول ذهن، تفکیک و تمایز ساخت‌ها و اشکال تاریخی آن تحلیل می‌کرد ـ فاصله می‌گیرد. از دیدگاه شوتس، هر تجزیه و تحلیلی با طرح مسئله واقعیت اجتماعی آغاز می‌شود. این یک امر نخستین و واقعیت بدیهی مبتنی بر «نگرشِ طبیعی» و مقدم بر علم است. «جهان فهم متعارف»، «جهان زندگی روزمره» و «زندگی روزمرهٔ دنیوی»، تعبیراتی است که شوتس به کار می‌برد تا دنیای اجتماعی را با روش‌شناسی علوم اجتماعی و پدیدارشناسی واقعیت اجتماعی ربط دهد. او به دنبال فهم رفتار کنشگران در قلمرو تجربهٔ مستقیم و غیرمستقیم است. برای درک زندگی روزمره، توجه به قلمرو واقعیت اجتماعی مستقیم مهم است؛ زیرا قلمروی است که عالم اجتماعی می‌تواند در آن ساخت اجتماعی و فراگرد ساخته‌شدن آن را مطالعه کند. اما این قلمرو به دلیل سیال بودن ذاتی و نامستقر بودنش، از نظر علمی قابل بررسی نیست. در نتیجه، تنها در قلمرو ۲ یعنی قلمروِ واقعیت اجتماعی غیر مستقیم است که می‌توان به معرفت جامعه‌شناسانه و دانش نسبتاً پایدار دست یافت و الگوهایی را که افراد از طریق آنها با جهان اجتماعی برخورد می‌کنند تا حد ممکن تشخیص داد. او همچنین عناصر جهان اجتماعی یا زندگی را قابل‌توجه قرار می‌دهد و دانش به مهارت‌ها، دانش سودمند و دانش به دستورالعمل‌ها را عناصری می‌داند که بخشی از واقعیت پذیرفته شده در «زندگی روزمره» را تشکیل می‌دهند (ریتزر، ۱۳۹۲: ۳۳۹-۳۳۴).

در نهایت با توجه به موارد فوق، دو دیدگاه به‌عنوان چارچوب نظری در نظر گرفته شد:

۱ـ نظریهٔ پدیدارشناختی که بیشتر به قلمرو معنا و نظام آگاهی توجه کرده‌است. هر یک از پدیدارشناسان مانند شوتس، گارفینکل و دیگران تلاش کردند واقعیت‌های اجتماعی نهفته در متن زندگی روزمره را تفسیرکنند.

۲ـ از دیگر مکاتبی که به بحث زندگی روزمره پرداخته، مکتب انتقادی است که ریشهٔ مارکسیستی دارد. نقطهٔ محوری نظریهٔ انتقادی این است که از طریق کشف و رمزگشایی روابط سلطه، زندگی روزمره را از سلطهٔ عقل ابزاری و معرفت تکنولوژیک رهایی می‌بخشد

٤ـ روش‌شناسی پژوهش

مردم در طول زندگی روزمرهٔ و در هنگام اجرای آیین‌ها و مناسک مختلف، بیش از هر چیز درگیر امر فرهنگ هستند و شناسایی و مطالعهٔ کنش‌ها، فهم اعمال و بررسی سبک زندگی آنها که برگرفته از جغرافیا و عناصر محیطی مؤثر بر پیرامون است، نیازمند

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

بررسی و توصیف در طبیعی‌ترین شکل ممکن است. دریا در زندگی ساحل‌نشینان به ویژه در زندگی روزمرهٔ زنان جزیره تأثیر زیادی دارد و باید از دیدگاه مردم‌نگاری به توصیف و بررسی ویژهٔ آن پرداخت.

مردم‌نگاری[1]، توصیفی عمیق و همه جانبه از جامعهٔ مورد تحقیق است. پژوهش مردم‌نگارانه برخاسته از نوعی آگاهی مبتنی بر مشارکت شخصی و مستلزم ارتباط با گروه به منظور تشخیص شیوهٔ زندگی یا اشکال فرهنگی است (Brix, 2006: 853). مردم‌نگاری، رویکردی تجربی، نظری و میراث انسان‌شناسی است که به جستجوی توصیف‌های کلینگر و جامع و تحلیل فرهنگ‌ها با تکیه بر کار میدانی گسترده می‌پردازد (مک کوردی و اسپردلی، ۱۳۷۲: ۲۵). مطالعات فرهنگی مردم نگارانه بر بررسی‌های کیفی ارزش‌ها و معانی در بستر «سبک زندگی» تمرکز دارد؛ به عبارت دیگر، غایت مردم‌نگاری بررسی پرسش‌هایی دربارهٔ فرهنگ‌ها، زیست‌جهان‌ها و هویت‌ها است (بارکر، ۱۳۸۷: ۵۱).

بنابراین می‌توان گفت روش پژوهش حاضر، کیفی و روش مردم‌نگاری است که اطلاعات آن با استفاده از شیوهٔ مصاحبهٔ نیمه ساختارمند و مشاهدهٔ داده‌ها گردآوری شد. در این پژوهش، برای یافتن نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی و هدفمند استفاده شد. بدیهی است مناسب‌ترین افراد کسانی بودند که با پدیدهٔ مورد بررسی ارتباط بیشتری داشتند، بومی قشم بودند و می‌توانستند عقاید و ذهنیات خود را دربارهٔ پدیدهٔ موردنظر ابراز کنند. بنابراین، میدان پژوهش شامل ساکنان قشم، درگهان، جزیرهٔ هنگام، لافت، روستای سلخ و رمچاه بود و ۲۴ نفر از زنانی که بیشترین ارتباط را با دریا داشتند، به عنوان نمونهٔ مورد مصاحبه انتخاب شدند.

در مرحلهٔ نخست با مصاحبه با نمونه‌های آماری، اطلاعاتی در مورد نگاه زنان به دریا، کارکرد فرهنگی ـ اجتماعی، اقتصادی و درمانی دریا، تأثیر و تعریف از حضور دریا و ارتباط آن با سبک زندگی زنان گردآوری شد. سپس با استفاده از روش کدگذاری، مفاهیم و مقولات ایجاد شد؛ بدین معنا که در ابتدا متن کامل گفتگو پیاده‌سازی و پس از آن تمام مفاهیم و دیالوگ‌هایی که معانی مشترک داشت، در یک دسته و مقوله جای گرفت و سرانجام با استناد به کدگذاری‌ها و مقوله‌بندی‌های اولیه، مقوله و مفهوم هسته شکل گرفت. در نهایت، محقق با رجوع به کدگذاری‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه و استفاده از نقل‌قول‌هایی که بارها تکرار شده بود، به پژوهش خود اعتبار بخشید و نتیجهٔ به‌دست آمده را معتبر دانست.

1. Ethnography

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

جدول ۱: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نام و نام‌خانوادگی	سن	تحصیلات	شغل
۱	صغری اربابی	۴۵	ابتدایی	ماهیگیر
۲	لیلا کدخدایی	۴۶	متوسطه	ماهیگیر
۳	فاطمه‌گل ساکت	۴۰	فوق‌دیپلم	کارمند
۴	کبری اربابی	۵۰	ابتدایی	ماهیگیر
۵	خدیجه قدسی‌نژاد	۱۸	دیپلم	ماهیگیر
۶	فاطمه رضوانی	۴۵	متوسطه	ماهیگیر
۷	فتحیه حکیمی	۳۵	فوق‌لیسانس	کارمند
۸	فاطمه بازماندگان	۵۲	لیسانس	کارمند
۹	زینت دریایی	۴۴	دیپلم	خانه‌دار
۱۰	فاطمه دژگانی	۶۰	دیپلم	خانه‌دار
۱۱	زهرا رضوانی	۳۰	لیسانس	کارمند
۱۲	فریبا صفاری	۴۰	فوق‌لیسانس	خانه‌دار
۱۳	مینا دریانورد	۲۸	فوق‌لیسانس	خانه‌دار
۱۴	هانیه احمدی	۲۲	لیسانس	کارمند
۱۵	آمنه کریمی	۳۱	دیپلم	خانه‌دار
۱۶	صدیقه اسلامی	۳۶	فوق‌لیسانس	کارمند
۱۷	امینه زینلی	۲۷	فوق‌لیسانس	خانه‌دار
۱۸	زلیخا احمدی	۵۰	ابتدایی	خانه‌دار
۱۹	شهناز دریانورد	۴۸	ابتدایی	خانه‌دار
۲۰	حلیمه شهدادی	۴۲	ابتدایی	ماهیگیر
۲۱	صالحه ایرانی	۲۳	دیپلم	کارمند
۲۲	معصومه حکمی	۳۴	لیسانس	کارمند
۲۳	کبری احمدی	۵۱	ابتدایی	خانه‌دار
۲۴	نادره کریمی	۱۹	دیپلم	دانشجو

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

۵ـ یافته‌های پژوهش

یکی از مهم‌ترین امور هر جامعه، سبک زندگی افراد آن است که نمادی از فرهنگ، باورها و اعتقادات ساکنان آن منطقه به شمار می‌رود. در این پژوهش پس از مصاحبه با افراد با اطلاع و بومی و پیاده‌سازی مصاحبه‌های کدگذاری شده، می‌توان نتیجه گرفت که دلالت‌های معنایی زنان از دریا بر پنج مقولهٔ کارکرد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانشناسی و درمانی استوار است که در ادامه شرح داده می‌شود.

۵ـ۱ـ کارکرد اقتصادی

این بخش از معنا کاوی و معنادهی به دریا، از طریق مفاهیم و سازو کارهای اقتصادی بیان می‌شود که در آن، دریا نقش سازنده‌ای در اقتصاد مردم ایفا می‌کند و با زندگی آنها رابطهٔ تنگاتنگی دارد. در پندار مردم جزیره، دریا خوان گستره‌ای از رحمت الهی است که خداوند آن را برای آنها فراهم کرده‌است. آنها نیز شکرگزار این موهبتند که با زندگی و معیشت آنها گره خورده‌است.

۱ـ صغری اربابی، زن ۴۵ سالهٔ قشمی و متأهل ساکن جزیرهٔ هنگام چنین می‌گوید: دریا روزی‌رسان ما است و به استقلال مالی ما و بچه‌هایمان منجر می‌شود. همچنین دریا انگیزه‌ای است برای فرزندانمان تا برای یافتن روزی و کسب و کار مهاجرت نکنند، کنارمان بمانند و به دریا دلگرم شوند. آنها مطمئنند که روزیشان از جانب خداوند تأمین است؛ پس تنها به دنبال رزق و روزی خود حرکت می‌کنند، به دریا می‌روند و به سخاوت و برکت خداوند ایمان دارند (صغری اربابی، خانه‌دار، ۴۵ ساله).

۲ـ خدیجه هجده ساله ـ که اکنون به واسطهٔ دریا از لحاظ مالی استقلال دارد و این بی‌نیازی به گفتهٔ خودش باعث قدرتش می‌شود ـ نیز چنین می‌گوید: دریا کاستی‌های مادی ما را جبران می‌کند و به کمک آن، چرخ زندگی ما روان‌تر می‌چرخد. اگر یک روز دست خالی از ماهیگیری برگشتیم و دریا به دلیل طوفان یا هر چیز دیگر، روزی به ما نداد، روزهای بعد حتماً با سخاوتی بیشتر جبران می‌کند و صید ما بیش از همیشه خواهد بود تا جایی که برای چند روز ذخیرهٔ غذایی خواهیم داشت (خدیجه قدسی‌نژاد، ماهیگیر، ۱۸ ساله).

۳ـ فاطمه زنی است ۴۵ ساله و ماهیگیر که در جزیرهٔ هنگام زندگی می‌کند. وی می‌گوید: دریا برکت دارد و بخشنده است، همهٔ رزق و روزی ما از آن تأمین می‌شود و بی هیچ منت و سختی، روزی ما را می‌رساند و ما را در برابر خود و خانواده‌هایمان شرمنده نمی‌کند؛ این بهترین کرم دریاست که این اطمینان را به ما می‌دهد که در تأمین معیشت‌مان عاجز نشویم (فاطمه، ماهیگیر، ۴۵ ساله).

۴ـ کبری زن ماهیگیر دیگری است که پنجاه سال سن دارد و در جزیرهٔ هنگام زندگی می‌کند. او می‌گوید: کار روی دریا و ماهیگیری به سرمایه نیاز ندارد و درآمد آن خوب است و همین کافی است که ما بیشتر به سوی دریا جذب می‌شویم. ماهیگیری در دسترس‌ترین

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

و بی‌خرج‌ترین شغل برای ساحل‌نشینانی است که با دریا انس همیشگی دارند و فاقد فرصت‌های دیگری مثل صنعت، کشاورزی یا مشاغل دیگر هستند. پس ما به دلیل وجود دریا، بیش از افراد دیگر مدیون لطف و کرم خداوندیم (کبری، ماهیگیر، ۵۰ ساله).

۵ـ فاطمه، زنی ساکن قشم است که ۲۵ سال سن دارد. او معتقد است: دریا بهترین منبع درآمد در جزیره است. چون بارندگی به ندرت اتفاق می‌افتد و کار کشاورزی و دیگر مشاغل کمتر در دسترس است، دریا بهترین منبع درآمد و گواه بخشندگی است. حتی تصور اینکه یک روز از دریا دور شویم هم ما را آشفته می‌کند (فاطمه، ماهیگیر، ۲۵ ساله).

جدول ۲: خلاصهٔ مفاهیم و مقولات کارکرد اقتصادی

نقل قول مصاحبه‌شوندگان	مفهوم سازی ۱	مقولهٔ محوری
۱ـ دریا روزی‌رسان ما و باعث استقلال مالی ما و بچه‌هایمان است و انگیزه‌ای که کنارمان بمانند.	مستقل بودن و رزق و روزی داشتن	کارکرد اقتصادی
۲ـ دریا کاستی‌های مادی ما را جبران می‌کند و چرخ زندگی ما را روان‌تر می‌گرداند.	روزی‌رسان و گردانندهٔ چرخ زندگی	
۳ـ دریا برکت دارد، بخشنده است و همهٔ رزق و روزی ما از دریاست.	روزی‌رسان، برکت و بخشندگی	
۴ـ کار دریا و ماهیگیری به سرمایه نیاز ندارد و درآمد آن خوب است.	درآمد خوب داشتن و امرار معاش	
۵ـ دریا بهترین منبع درآمد ما است.	بیان مادی و رابطهٔ اقتصادی	

۵ـ۲ـ کارکرد اجتماعی

از آنجا که شرایط اجتماعی انسان بی‌تأثیر از شرایط محیطی و جغرافیایی نیست، در این بخش از معنابخشی به کارکرد اجتماعی دریا و تأثیر آن بر رفتار و عادات اجتماعی ساحل‌نشینان می‌پردازیم. افرادی که از بدو تولد در برابر دریا چشم گشوده‌اند و همهٔ تجربه‌ها و دستاوردهایشان را از آن دارند، طبیعتاً نگاه متفاوت‌تری به این مسئله دارند و دریا در زندگی اجتماعی آنان نقش پر رنگ‌تری ایفا می‌کند.

۱ـ فاطمه، زن ماهیگیر ۲۵ سالهٔ ساکن قشم، می‌گوید: ماهیگیری هم مانند هر کار

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

دیگری به استمرار، آموزش و تجربه‌اندوزی نیاز دارد تا با تسلط بر دریا، صید بیشتر و سود بهتری نصیبمان شود (فاطمه، ماهیگیر، ۲۵ ساله).

۲ـ کبری زن صیادی است که باور دارد دریا را می‌شناسد و ساعت دقیق جزر و مد را می‌داند. او معتقد است: تأثیر نور ماه بر دریا نیز علمی است که باید دانست و تنها افرادی بدان آگاهند که با دریا سر و کار بیشتری دارند مانند ماهیگیران؛ چون با دریا زیسته‌اند (کبری، ماهیگیر، ۵۰ ساله).

۳ـ خدیجه قدسی‌نژاد، هیجده ساله از جزیرهٔ هنگام است. او ـ که از سن شش سالگی با مادرش به صید می‌رود و اکنون برای خود ماهیگیری مستقل و حرفه‌ای است ـ معتقد است: تنها با تکرار و تلاش مستمر در یک کار است که یادگیری و موفقیت بیشتر در زمینهٔ آن کار حاصل می‌شود. ماهیگیری هم یکی از آن فنونی است که باید آن را به خوبی بیاموزی تا بتوانی در جامعه‌ات حرفی برای گفتن داشته باشی و از عهدهٔ خود و مشکلاتت برآیی (خدیجه قدسی‌نژاد، ماهیگیر، ۱۸ ساله).

۴ـ لیلا، زن سی سالهٔ ساکن قشم می‌گوید: دریا علاوه بر ویژگی‌های دیگرش، آموزنده نیز است و مانند زندگی، پستی و بلندی و پر و خالی شدن دارد؛ گاهی می‌دهد و گاهی می‌ستاند و می‌آموزد که باید صبور باشی و هوشمند تا از پس امواج زندگی بر بیایی و همیشه سوار بر موج حوادث از سختی‌ها گذر کنی و غرق نشوی (لیلا، خانه‌دار، ۳۰ساله).

۵ـ فاطمه، زن ماهیگیر ۴۵ سالهٔ قشمی، معتقد است: دریا وقت دارد و هرکس نمی‌تواند هر وقت که دلش خواست به دریا برود، بلکه باید حتماً آن را بشناسد، به زمان جزر و مد دقت کند و خود را با دریا وفق دهد. وقت‌شناسی در ماهیگیری مانند هر کار دیگر اهمیت دارد، مانند زندگی که باید هر چیزی در آن به جا و به موقع خودش اتفاق بیفتد. این نیز آن گونه است که انسان را مجاب به درکش می‌کند (فاطمه، ماهیگیر، ۴۵ ساله).

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

جدول ۳: خلاصهٔ مفاهیم و مقولات کارکرد اجتماعی

نقل قول مصاحبه‌شوندگان	مفهوم‌سازی ۱	مقولهٔ محوری
۱ـ ماهیگیری هم مانند هر کاری با استمرار و تجربه‌اندوزی، بهتر آموخته می‌شود و می‌توانیم بر آن تسلط بیشتر داشته و صید بیشتری داشته باشیم.	آموزش، تجربه، تسلط	کارکرد اجتماعی
۲ـ شناخت دریا مانند شناخت وقت درست و ساعت دقیق جزر و مد و تأثیر ماه بر آب، سبب می‌شود ماهی بیشتری صید کنیم و سود بیشتری داشته‌باشیم.	دانش، بهره‌وری، دقت	
۳ـ در هرکاری از جمله ماهیگیری، تکرار و تکرار به یادگیری و موفقیت بیشتر منجر می‌شود.	تجربه، توانمندی	
۴ـ دریا مانند زندگی پستی و بلندی و پر و خالی شدن دارد.	نماد زندگی، آموزنده	
۵ـ زمان ماهیگیری با جزر و مد دریا تنظیم می‌شود.	دقت و نظم	

۵ـ۳ـ کارکرد فرهنگی

بخشی از کارکردهای فرهنگی دریا، به زیباشناسی آن و توجه به این امر بازمی‌گردد. دریا، بستری است برای خلاقیت‌های هنری و زیباشناختی؛ بدین ترتیب، شرکت‌کنندگان در این مطالعه بارها و بارها به دریا اشاره کرده‌اند. از این دیدگاه، اشاره‌های به ظاهر ساده و پیش پا افتاده، رنگ و بوی هنری و سلیقه‌ای به خود می‌گیرند؛ از این روست که زنان ساکن در جزیره، این وجه زیباشناختی را در همه جای زندگی خود می‌بینند و به کار می‌برند.

۱ـ فاطمه می‌گوید: صدف‌های دریایی، یکی از ابزارهای زیبایی است که زنان از آن برای تزیین محل زندگی خود استفاده می‌کنند و آن را به عنوان سنگفرش در حیاط منزل خود به کار می‌برند. این امر کاری است بسیار خلاقانه و زیباشناختی که ارتباط و علاقهٔ زنان را نسبت به دریا نشان می‌دهد (فاطمه، ماهیگیر، ۲۵ ساله).

۲ـ خدیجه قدسی‌نژاد می‌گوید: از ستاره‌های دریایی، مرجان‌ها، صدف‌ها و گل‌های دریایی برای زینت منزل استفاده می‌کنند و آنها را به عنوان ابزار تزیینی در سالن پذیرایی قرار می‌دهند. همچنین از آنها گوشواره و گردنبند نیز می‌سازد (خدیجه قدسی‌نژاد، ماهیگیر، ۱۸ ساله).

۳ـ فاطمه‌گل یکی دیگر از ساکنان جزیرهٔ قشم است که چهل سال دارد و در روستای سلخ زندگی می‌کند. او نیز به این آیین‌ها اشاره می‌کند و چنین می‌گوید: به دلیل وجود

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

دریا، جشن سلطانی یا همان نوروز صیاد در جزیره برگزار می‌شود. در این جشن، زنان دسته دسته در آن روز به دریا می‌روند و به جشن و سرور و آبتنی می‌پردازند. این جشن یکی از مراسم آیینی و باشکوه قشم است که از سال‌ها پیش ماندگار شده و ادامه دارد و در حرکتی فرهنگی ـ اجتماعی، به تداوم این باور و نزدیکی افراد به هم منجر می‌شود (فاطمه‌گل، خانه‌دار، ۴۰ ساله).

۴ـ لیلا، زن سی سالهٔ ساکن قشم، معتقد است که دریا بر تمام جنبه‌های فرهنگی و هنری زندگی زنان جزیره تأثیر به‌سزایی دارد تا آنجا که حتی در صنایع دستی مانند خط‌های مورب استفاده شده در شک و زری‌های دستباف مورد استفاده در شلوارهای زنان بومی و رنگ و چین و شکن دامن لباس آنها، از امواج دریا الهام گرفته شده‌است. دریا از ذهن و زندگی ساحل‌نشینان جدا نیست و در تمامت فرهنگی آنها نمود دارد ... (لیلا، خانه‌دار، ۳۰ساله).

جدول ۴: خلاصهٔ مفاهیم و مقولات کارکرد فرهنگی

نقل قول مصاحبه‌شوندگان	مفهوم‌سازی ۱	مقولهٔ محوری
۱ـ از ستاره‌های دریایی، مرجان و گل‌های دریایی برای تزیین منزل استفاده می‌کنیم.	زیبایی‌شناسی	کارکرد فرهنگی
۲ـ حیاطم را با صدف سنگفرش کردم که خیلی زیباست و حس خوبی به من می‌دهد.	زیبایی‌شناسی و حس خوب	
۳ـ ما به واسطهٔ دریا، جشن سلطانی یا همان نوروز صیاد را داریم که زنان به دریا می‌روند و به نیت شفا و نیابت گرفتن از دریا، آبتنی می‌کنند.	انگیزهٔ برگزاری آیین‌های دریایی و شرکت در آن	
۴ـ صنایع دستی و طرح‌های استفاده شده در لباس، الهام گرفته از دریاست.	هنر و زیبایی‌شناسی	

۵ـ ٤ـ کارکرد روانی و احساسی

یکی دیگر از کارکردهای دریا، بخش روانی و احساسی آن است و اینکه تا چه اندازه رمز و راز و آرامش و خروش دریا بر روح و روان ساحل‌نشینان به خصوص زنان ـ که حساس‌تر و دقیق‌ترند ـ تأثیرگذار است. دریا جذبه و آرامش خاص خودش را دارد و به همین دلیل، ساحل‌نشینان پیوندی ناگسستنی با آن دارند و در تار و پودشان احساس ژرفی جاری است. دریا شگفت است آن گونه که کمتر واژه‌ای می‌تواند احساس انسان را نسبت به دریا نشان دهد. همین خود گواه کارکرد احساسی و روانی دریاست که انسان‌ها تأثیرپذیری عجیبی از آن دارند و الفتی دیرینه با آن ... .

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

۱ـ کبری، زن پنجاه سالهٔ ساکن جزیره هنگام، می‌گوید: دل آدم باید مثل دریا بزرگ باشد و همه چیز در آن جا شود؛ مثل دریا که دنیایی در آن نهفته و بزرگ و عمیق است. خصلت دیگر دریا این است که هر چیزی را یا در خودش هضم می‌کند، یا اگر آن چیز ناخالص باشه و تجزیه‌ناپذیر باشد آن را به ساحل پس می‌دهد تا همیشه زلال بماند، و این زیباترین حس و درسی است که من از دریا آموختم. من پذیرا بودن، عمق داشتن و از کنار هیچ چیز به صورت سطحی و بی‌اهمیت نگذشتن و موجودیت آن را دریافتن را از دریا آموختم. من همیشه دریا را ـ که تعامل زیادی با آن دارم ـ آیین‌های تمام‌نما برای خودم می‌دیدم (کبری، ماهیگیر، ۵۰ ساله).

۲ـ فاطمه می‌گوید: دریا نیمی از وجود ماست؛ یعنی اگر دریا نباشد احساس می‌کنیم هستی ما ناقص است و چیزی در وجود ما گم. به گونه‌ای که وقتی چشم باز می‌کنیم باید قبل از هر چیز دریا را ببینیم و شب که می‌خوابیم هم همین طور. ما آرامش عجیبی از دریا می‌گیریم و دریا همراز و مونس خوبی برای ماست (فاطمه، ماهیگیر، ۲۵ ساله).

۳ـ صغری می‌گوید: دریا خیلی صبور است. با او که حرف می‌زنم، مرا آرام می‌کند و سبک می‌شوم. انگار همهٔ غم و غصه‌ها را از روی دوشم برمی‌دارد. وقتی به آب وارد می‌شوم، آرامش می‌یابم و حالم خوب می‌شود. دریا خیلی خیلی شگفت‌انگیز است و احساسی به من می‌دهد که هیچ جای دیگر نمی‌توانم داشته باشم. دریا کاملاً ما را احاطه کرده و در دل و زندگی ما بسیار دلنشین و تأثیرگذار است (صغری اربابی، خانه‌دار، ۴۵ ساله).

۴ـ لیلا، زن سی ساله، معتقد است: تأثیر دریا انکارناپذیر است تا جایی که احساس می‌کنم ساحل‌نشینان مانند دریا درست، صاف، پاک و زلالند و کمتر غل و غش دارند، بیشتر پذیرا و با محبت و سخاوتمندند و حالات روحی و رفتارهای خاص خودشان را دارند که از همنشینی با دریا سرچشمه گرفته‌است (لیلا، خانه‌دار، ۳۰ساله).

۵ـ فاطمه‌گل، چهل ساله از روستای سلخ، می‌گوید: دریا مانند پدر و مادر است و وقتی دلتنگم جان پناهم می‌شود. هنگام تنهایی، به او پناه می‌برم و با او درد دل می‌کنم و مطمئنم که جایی بازگو نمی‌شود. او رازدار من است و دوست و همه کس من ... دریا هرگز تکراری نمی‌شود و از دیدنش خسته نمی‌شوم، حتی اگر ساعت‌ها کنار آن باشم، صدای امواجش روحم را نوازش می‌دهد ... وقتی به درون دریا می‌روم و آب‌هایش را لمس می‌کنم، احساس می‌کنم کسی مرا نوازش می‌کند، تا این حد شگفت‌انگیز و لذت‌بخش است (فاطمه‌گل، خانه‌دار، ۴۰ ساله).

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

جدول ۵: خلاصهٔ مفاهیم و مقولات کارکرد روانی و احساسی

نقل قول مصاحبه‌شوندگان	مفهوم‌سازی ۱	مقولهٔ محوری
۱ـ دل آدم باید مثل دریا بزرگ باشد و همه چیز در آن جا شود.	دریا دل، وسیع و عمیق	کارکرد روانی و احساسی
۲ـ نیمی از وجود ما دریاست.	وجود و هستی	
۳ـ دریا خیلی صبور است با او که حرف می‌زنم، آرام و سبک می‌شوم.	آرامش، همصحبتی و اطمینان	
۴ـ ساحل‌نشینان مانند دریا درست، صاف و پاک و زلال هستند	همذات پنداری	
۵ـ دریا مانند پدر و مادر است و وقتی دلتنگم، جان پناهم می‌شود.	بیان حسی و بیان عاطفی	

۵ـ۵ـ کارکرد درمانی

یکی دیگر از کارکردهای دریا، باور به شفابخشی آن است و اینکه آب دریا بسیار مفید و خاصیت‌بخش است. بومیان جزیرهٔ قشم معتقدند آب دریا در درمان دردهای مفاصل و بیماری‌هایی مانند رماتیسم، دیسک کمر و هر نوع بیماری پوستی نقش مهمی ایفا می‌کند. حتی برای درمان عفونت‌ها و دیگر مشکلات و بیماری‌ها نیز بسیار مفید است ... ، از این رو، بومیان ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با دریا دارند.

۱ـ فاطمه‌گل از سلخ می‌گوید: دریا خاصیت درمانی زیادی دارد و جسم و روح انسان را آرامش می‌بخشد. دریا برای دیابت و بیماری‌های عفونی بسیار مفید است و تجربه نشان داده هر کس که همیشه به دریا برود و در آن آبتنی کند، خیلی سرحال و سالم می‌ماند (فاطمه‌گل، خانه‌دار، ۴۰ ساله).

۲ـ کبری، پنجاه ساله از جزیرهٔ هنگام، معتقد است: آب دریا درد استخوان و مفاصل را به خوبی درمان می‌کند. او همچنین می‌گوید: من مدت‌ها از مشکل استخوان درد و دیسک کمر رنج می‌بردم؛ طوری که به سختی می‌توانستم راه بروم تا اینکه پزشکی در تهران مرا راهنمایی کرد که از آب دریا استفاده کنم. او به من گفت: شما که به دریا دسترسی دارید، بهترین درمان این است که هر روز در آب دریا راه بروید. من هم به تجویز او گوش کردم و روزی نیم ساعت تا یک ساعت در جایی که سطحِ آب دریا تا کمر می‌رسید، راه می‌رفتم و اکنون خدا را شکر بدون عمل و دارو مشکلم کاملاً رفع شده و اثری از درد و ناراحتی در من نمانده‌است (کبری، ماهیگیر، ۵۰ ساله).

۳ـ صغری نیز از خاصیت دریا می‌گوید: او معتقد است آبتنی در دریا در روزهای خاص، تمام امراض را از بدن انسان دور می‌کند. او به مراسم آیینی نیز اشاره می‌کند و می‌گوید:

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

مردم جزیره از گذشته معتقد بودند آبتنی در دریا در روز نوروز سلطانی یا چهارشنبهٔ آخر هر ماه، همهٔ بیماری‌ها را از انسان دور می‌کند و بدن از آلودگی‌ها تخلیه و پاک و قوی می‌شود. اکثر مردم به شدت به این باور اعتقاد دارند و در آن روزهای خاص، زن و مرد و پیر و جوان بیشتر وقت خود را در دریا سپری می‌کنند و به آبتنی می‌پردازند. این امر هم لذت‌بخش است و بهترین تفریح محسوب می‌شود و هم به آنها احساس سلامتی می‌دهد (صغری اربابی، خانه‌دار، ۴۵ ساله).

۴ـ لیلا، زن سی سالهٔ قشمی، می‌گوید: آب دریا برای بیماری‌های پوستی بسیار مفید است و اکثر جوش‌ها، تاول‌ها و زخم‌های پوستی با آب دریا درمان و پوست نیز ضد عفونی می‌شود (لیلا، خانه‌دار، ۳۰ ساله).

۵ـ خدیجه نیز معتقد است: دریا همهٔ زخم‌های جسم و روح انسان را التیام می‌بخشد. دریا بسیار مفید و شفابخش است؛ آن قدر که علاوه بر درمان بیماری‌های جسمی، روح انسان را نیز جلا می‌دهد و آرام می‌کند. دریا تأثیر عجیبی دارد؛ هر بار که در آن آب‌تنی می‌کنی انگار تازه متولد شده‌ای ... (خدیجه قدسی‌نژاد، ماهیگیر، ۱۸ ساله).

جدول ۶: خلاصهٔ مفاهیم و مقولات کارکرد درمانی

نقل قول مصاحبه‌شوندگان	مفهوم‌سازی ۱	مقولهٔ محوری
۱ـ دریا خاصیت درمانی دارد و آرام‌بخش جسم و روح انسان است.	درمانگر و آرامش‌بخش	کارکرد درمانی
۲ـ آب دریا، برای درمان درد استخوان و مفاصل مفید است.	طبیب و شفابخش	
۳ـ آب‌تنی در دریا در روزهای خاص، تمام امراض را از بدن انسان دور می‌کند.	باور و درمان	
۴ـ آب دریا برای بیماری‌های پوستی بسیار مفید است.	مفید و درمانگر	
۵ـ دریا همهٔ زخم‌های جسم و روح انسان را التیام می‌بخشد.	التیام‌بخش	

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی بررسی دلالت‌های معنایی زنان ساکن قشم نسبت به دریا صورت گرفت؛ بدین معنا که این پژوهش، درصدد بررسی اهدافی نظیر شناسایی ردپای دریا در سبک زندگی روزمرۀ زنان این جزیره و مطالعه و ثبت کارکرد دریا است.

برای پاسخ به پرسش‌های فوق، از روش قوم‌نگاری برای بررسی سبک زندگی روزمرۀ زنان و بازنمایی دریا در زندگی آنان استفاده شد. همان گونه که پیش از این بیان شد، بسیاری از تصورات ذهنی انسان‌ها از دریا الهام گرفته می‌شود. نکته بسیار مهم این است که ویژگی‌های فرهنگی ملل، اقوام و طوایف طی یک شب شکل نگرفته‌است، بلکه خصوصیات فرهنگی در گذر زمان شکل می‌گیرد و گاه این آداب و رسوم بر اساس وضعیت اجتماعی و جغرافیایی، عادت‌ها را در گذر زمان متبلور می‌کند. پیشینۀ فرهنگ، زاییدۀ تجارب ملت است که از آداب انسان شکل می‌گیرد و می‌کوشد در راستای تکامل و مدنیت، بدی‌ها را رد و بر خوبی‌ها سرمایه‌گذاری کند و مجموعۀ این خوب و بدها و عادات و رفتارها، سبک زندگی افراد را شکل می‌دهد.

جغرافیا بر زندگی و الگوی رفتاری افراد به‌ویژه زنان ساحل‌نشین، تأثیر شگرفی دارد. کارکردهای دریا گاهی بیش از مردان توسط زنان درک و کشف می‌شود. با توجه به رابطۀ تنگاتنگ دریا با زندگی مردمان جنوب کشور و تأثیر شگرف آن بر زندگی مردم، در این پژوهش به پنج مقولۀ اصلی دست یافتیم که عبارتند از: کارکرد اقتصادی، کارکرد اجتماعی، کارکرد فرهنگی، کارکرد روانی و احساسی و کارکرد درمانی که حاصل بازنمایی دریا در زندگی روزمرۀ زنان است. با وجود پژوهش‌های گوناگون دربارۀ سفر دریایی مردان، صیادان و آیین‌های مردانه، پژوهشگرانی همچون زارعی (۱۳۹۸) به طور خاص به بررسی باورها، آیین‌ها، ترانه‌ها، لالایی‌ها و افسانه‌های برساختۀ زنان پرداخته‌اند. نوروزی و رحیمی (۱۳۹۶) نیز به بررسی نقش عناصر مذهبی، اقلیمی و دغدغه‌های زنانه بر واسونک‌های آنان در مراسم عروسی پرداخته‌اند. علاوه‌برآن، همایونی (۱۳۹۱) در کتاب «زنان و سروده‌هایشان در گسترۀ فرهنگ مردم ایران» ـ که منبعی غنی در زمینۀ مردم‌شناسی فرهنگی است ـ به تحلیل و ثبت ترانه‌های خلاق و مردمی زنان پرداخته‌است. درهشوری و همکاران (۲۰۱۳) نیز به موضوع قابلیت‌های جزیرۀ قشم و ترویج معیشت زنان از طریق صنایع دستی پرداخته‌اند.

دریا، بخش جدایی‌ناپذیری از هستی زنان جزیره است و چون پدر و مادر یا فرد عزیزی از اعضای خانوادۀ آنها به شمار می‌رود که پیوند اساسی و عاطفی عمیقی با آن دارند و خود را جدای از آن نمی‌پندارد؛ آن قدر که می‌توانند با دریا حرف بزنند، درد دل کنند، ساعت‌ها در کنارش آرامش یابند، با حس و حال آن یکی شوند و دریا را در غم و شادی‌هایشان شریک بدانند. دریا با کارکردهایش، بستری از گستردگی آمال و آرزوهای افراد را تداعی

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

می‌کند و به بالندگی، رشد، کمال و آرامش آنها یاری می‌رساند؛ به‌گونه‌ای که هر فرد در ارتباط با دریا، به تعبیری خود را درمی‌یابد و در نگرشی واحد آن را معنا می‌کند. زنانی که زندگی کردن، صبوری و سخاوت را از دریا می‌آموزند، همچون او، خشم و خروش‌شان سطحی و آرامش‌شان عمیق و پایدار است. زنانی که در برابر خوب و بد زندگی، خوب تاب آورده‌اند و در مقابل سختی‌ها سر خم نمی‌کنند، جهان را زیباتر می‌بینند، همواره می‌بخشند و علاوه‌بر آن، همدلی کردن با دریا و لذت بردن از تماشا و شنیدن صدای امواج و ... از دیرباز با زندگی و زنانگی‌شان گره خورده‌است. بنابراین، شرایط آب و هوایی بر سبک زندگی، خلق وخو، رفتار و عادات جزیره تأثیرگذار است. شخصیت زنان ساحل‌نشین و بردباری ایشان، مثل امواج دریا باصلابت و پایدار و در تقابل با ناملایمات زندگی، مقاوم است. از زمان‌های دور که همسر و فرزندانشان برای دریانوردی و تجارت دریایی به سفر می‌رفتند، این زنان تمام بار زندگی، دلتنگی و شور و اشتیاق دوباره دیدن آنها را با دریا قسمت می‌کردند و حتی بی‌مهری‌های گاه به گاه دریا را ـ که عزیزی را از آنها می‌گرفت ـ نیز تاب می‌آورند و همواره و همیشه از آن به نیکی یاد می‌کردند و می‌کنند. آموخته‌اند که بیاموزند تمام بایدها را و این بهترین دستاورد دریاست. زنان بر این می‌کوشند که از خود یادگاری بر دل هستی بگذارند و همواره به زلالی دریای بی‌کران باشند؛ گاه با رفتارهای خاص و نجیبانه و گاه با مشارکت در کارهایی نظیر ماهیگیری، جمع‌آوری صدف‌های دریایی با بیانی مادی در رابطه‌ای اقتصادی برای امرار معاش و گردش چرخهٔ زندگی پا به پای مردان تلاش می‌کنند و سهم خود را از روزگار می‌ستانند و گاه نیز با خلاقیت و آفرینش‌های هنری از طریق صنایع دستی، با احساسات و عواطف خود زیباترین نقش و نگاره‌ها را می‌آفرینند. بهترین هنر زنان این است که در سخت‌ترین شرایط ممکن، تلاطم روحی کمتری داشته باشند و قانع و قاطع باشند؛ زیرا آرامشی که در دریا وجود دارد، شاید در هیچ پدیده‌ای نباشد و این خود از دلایل وابستگی و دلبستگی زنان جزیره به دریاست که از لحاظ روحی و روانی، مسکن خوبی برای التیام دردهای احتمالی آنان است. زنان در صمیمیت و همذات‌پنداری که با دریا دارند و وسعت دید و عمقی که به آنها می‌بخشد، دریا را بخشی جدایی‌ناپذیر از وجود خود می‌دانند. دریا پاسخگوی دیگر نیازهای زنان ساحل‌نشین نیز است؛ نیازهایی از قبیل شفابخشی، خاصیت درمانی آب و درمانگری بسیاری از بیماری‌ها. خیلی از مشکلات زنان جزیره بدون مراجعه به پزشک و پرداخت هزینه رفع می‌شود که این بزرگ‌ترین نعمتی است که زندگی و باورهای زنان را شکل می‌دهد. بنابراین، دریا در زندگی روزمره و شکل‌گیری الگوهای رفتاری افراد جایگاه ویژه‌ای دارد. به باور زنان، وابستگی‌شان به دریا آن قدر عمیق است که دریا هرگز نمی‌تواند جدای از زندگی و هستی‌شان باشد و با هیچ چیز دیگری مقایسه شود.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

منابع و مآخذ

آل‌احمد، سیدجلال (۱۳۹۱)، *خارک درّ یتیم خلیج فارس*، قم: پیرامید و ژکان.
اباذری، یوسف؛ صادقی‌فسایی، سهیلا و حمیدی، نفیسه (۱۳۸۷)، *« احساس ناامنی در تجربهٔ زنانه از زندگی روزمره»*، فصلنامهٔ پژوهش زنان، دورهٔ ششم، شمارهٔ ۱: ۱۰۳- ۷۵.
اسدپور، حمید (۱۳۸۷)، *تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه*، چاپ اول، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعهٔ علوم انسانی.
اقتداری، احمد و سدیدالسلطنه، محمدعلی (۱۳۶۳)، *بندرعباس و خلیج فارس: اعلام الناس فی‌احوال بندرعباس*، تهران: دنیای کتاب.
انصاری‌نسب، بنیامین (۱۳۹۲)، *«تحلیل نشانه‌شناختی آیین قبله دعا در قشم»*، فصلنامهٔ تخصصی فرهنگ مردم ایران، سال سوم، شمارهٔ ۳۴: ۱۷- ۱.
ـــــــــــــ . (۱۳۹۳)، *«مروری بر آیین‌های دریایی قشم»*، مجلهٔ دریاباد، سازمان منطقه آزاد قشم مدیریت فرهنگی و آموزشی، شمارهٔ ۶۱: ۷۹ -۵۷.
بلوکباشی، علی (۱۳۷۹)، *جزیرهٔ قشم: صدف ناشکافتهٔ خلیج فارس*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
خواجه‌زاده، نسیم (۱۳۹۶)، *«پدیدارشناسی زندگی روزمره با تأکید بر حوزهٔ خصوصی در شهر دزفول»*، مجلهٔ پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دورهٔ هفتم، شمارهٔ ۱: ۱۱۶-۹۷.
رشیدپور، علی؛ شاه‌نوروزی، مهدی و ایرانپور، سارا (۱۳۹۳)، *اقتصاد فرهنگ و جهانی‌شدن/ مفاهیم و نظریه‌ها*، تهران: انتشارات مرکز ملی مطالعات جهانی‌شدن.
روجک، کریس (۱۳۹۰)، *مطالعات فرهنگی*، ترجمهٔ پرویز علوی، تهران: ثانیه.
روح الأمینی، محمود (۱۳۷۴)، *زمینهٔ فرهنگ‌شناسی*، چاپ دوم، تهران: پیام نور.
ریتزر، جورج (۱۳۹۲)، *نظریهٔ جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمهٔ محسن ثلاثی، چاپ هجدهم، تهران: علمی.
زارعی، بدریه (۱۳۹۷)، *«بازتاب سفر دریانوردان بندرکنگ در فرهنگ عامیانهٔ زنان این منطقه»*، مجموعه مقالات چهارمین همایش دوسالانهٔ بین المللی خلیج فارس (تاریخ، تمدن و فرهنگ)، انتشارات دانشگاه تهران، ۶۷۲-۶۵۷.
زندمقدم، محمود (۱۳۸۳)، *فاق جزیرهٔ قشم، مردمان، روستاها، بندرها، روستابندرها، بندها، کشت و کار، دریانوردی، صید و صیادی*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
سعیدی، سهراب و مدرسی، فاطمه (۱۳۹۷)، *«بررسی موجودات وهمی در فرهنگ مردم هرمزگان»*، فصلنامهٔ فرهنگ مردم ایران، شمارهٔ ۵۳ و ۵۴: ۱۱۴-۹۳.
شکوهی، حسین (۱۳۷۵)، *اندیشه‌های نو در فلسفهٔ جغرافیا*، جلد اول، تهران: گیتاشناسی.
لاجوردی، هاله (۱۳۹۳)، *زندگی روزمره در ایران مدرن*، تهران: ثالث.
لایمر، جان‌گوردون و حبیبی، حسن (۱۳۹۰)، *وقایع‌نگاری خلیج فارس: بخش تاریخ ایران*،

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

ترجمهٔ عبدالمحمد آیتی، چاپ اول، تهران: بنیاد ایران‌شناسی.
مرادی، ایوب (۱۳۹۸)، *«بررسی بنمایه‌های اسطوره‌ای در باورهای عامیانهٔ غرب هرمزگان»*، پژوهشنامهٔ فرهنگی هرمزگان، شمارهٔ ۱۷: ۲۵-۸.
نوروزی، اسداله و رحیمی، ساقی (۱۳۹۶)، *«نقش عناصر مذهبی، اقلیمی و دغدغه‌های زنانه بر واسونک‌های شهرستان بندرلنگه»*، پژوهشنامهٔ فرهنگی هرمزگان، دورهٔ هشتم، شمارهٔ ۱۳: ۶۰-۴۳.
وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۱)، *تاریخ مهاجرت افراد در خلیج فارس: ملوک هرموز*، چاپ اول، شیراز: دانشنامهٔ فارس.
ودادی، حمید (۱۳۹۳)، *«گذر نسیم دریا از زندگانی ساحل‌نشینان جنوب»*، ماهنامهٔ علمی تحقیقاتی بندر و دریا، تهران، سازمان بنادر و دریانوردی، پیاپی ۲۱۲، شمارهٔ ۷۸: ۵۴-۱۰.
هاگت، پیتر (۱۳۷۳)، *جغرافیای ترکیبی نو*، ترجمهٔ شاپور گودرزی‌نژاد، جلد دوم: تهران: سمت.
همایونی، صادق (۱۳۹۱)، *زنان و سروده‌هایشان در گسترهٔ فرهنگ مردم ایران زمین*، تهران: گل‌آذین.
Brix, James (2006), *Encycl opedi a of ant horol ogy* ; vol 2 ; sage publ i cat i ons, 850-859.
Balasubramanian, A (2018), *Basics of Cultural Geography*, Centre for Advanced Studies in Earth Science, University of Mysore, Mysore-6, .894.65604 31 .2 .2 .DOI: 10.13140/RG .India, Pp: 1-11
Evers, Hans-Dieter (2014), *Understanding the South China Sea: An explorative cultural analysis,* Article in International Journal of Asia-Pacific Studies, 10(1), 76-94.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]